

## رؤیای تلویزیون خصوصی و هزینه‌های فقدان آن



مهرداد خدیر

معاون سردبیر

ماشاءالله شمس الواعظین (و به قول مطبوعاتی‌ها محمود شمس) در نخستین مصاحبه بعد از عضویت در شورای عالی اطلاع‌رسانی دولت پزشکیان با اشاره به انتقال بخشی از مرجعیت رسانه‌ای به خارج از کشور، اعلام آمادگی کرده که با ایجاد یک شبکه تلویزیونی، مرجعیت سالم و بومی را به کشور بازگرداند. او گفته است: «تولید پیام در ایران و داخل کشور اتفاق می‌افتد، اما پردازش پیام به خارج از کشور می‌رود، آنگاه همراه با سیاست‌های بیگانگان تنظیم و سازگار می‌شود و بعد به کشور ما بازمی‌گردد.» پیشنهاد مشخص روزنامه‌نگار کهنه‌کار که به‌سبب قلع و قمع مطبوعات مستقل، به کشاورزی پناه برد، این است: راه‌اندازی شبکه‌تلویزیونی خصوصی. آقای شمس البته به‌جز تلویزیون خصوصی، به فقدان سایت‌های معتبر خصوصی هم اشاره کرده: حال آن‌که به‌نظر می‌رسد در این دومی، بی‌احتیاطی کرده‌اند چون وضعیت سایت‌ها به‌هیچ‌وجه همچون صدوسیما نیست و در همین فضا، مستقل‌هایی هم مشغول هستند.
بااین‌همه اگر چه فرهنگ غالب شفاهی است اما اگر همان روزنامه‌ها در دبیپهشت‌ماه ۷۹ به‌تبع تیز سعید مرتضوی از پا نیفتاده بودند، اکنون شاهد روزنامه‌های مستقل با عمر ۲۵ سال بودیم. این یادآوری هم خالی از لطف نیست که در سرت ۲۰ سال قبل در چنین روزهایی، بحث راه‌اندازی تلویزیون خصوصی مهدی کروبی بعد از انتخابات ریاست‌جمهوری سال ۸۴ مطرح بود تا جایی که آرم شبکه‌تلویزیونی ماهواره‌ای منسوب به او، با نام «صبا» هم قابل دریافت و مشاهده بود؛ هرچند برنامه‌ای مشاهده‌نشد. حتی گفته‌می‌شد، قرار است در شب یلدای ۲۰ سال قبل (سال ۱۳۸۴) پخش برنامه‌های آن آغاز شود و جالب است یادآوری شود که مدیریت آن برعهده بهروز افخمی بود که اندکی بعد درباره دلیل تعویق در آغاز به‌کار شبکه خصوصی صبا گفته بود: «فردی که نوار برنامه‌های شبکه را برای پخش به‌دوبی می‌برد، هنگام پیاده‌شدن از هواپیما و در فرودگاه دوبی، با ممانعت مأموران داخل هواپیما مواجه می‌شود و سرانجام پس از پیگیری‌هایی که از تهران صورت می‌پذیرد، اجازه پیاده‌شدن همراه نوارها را می‌دهند اما زمان مقرر برای پخش برنامه، سپری شده بود و پخش برنامه به روز دیگر موکول می‌شود.» دلیل ثبت صبا در دوبی این بود که نه قوانین آن‌زمان، نه در حال حاضر اجازه نمی‌دهند که رادیو و تلویزیون خصوصی دایر شود و استناد مقامات به قانون اساسی است که صدوسیما را در انحصار دولت توصیف می‌کند. درحالی‌که در قانون اساسی، هم عبارت «صدوسیما» آمده، هم «رادیو و تلویزیون» و ذکر دومی قابلیت این تفسیر را دارد که رادیو و تلویزیون در ایران، الزاماً مسأوی و اصطلاحاً مسأوق با صدوسیما نیست. ضمن این‌که تفسیر موسع اصل ۴۴ که بانک، بیمه و کشتیرانی را از انحصار دولت درآورد، می‌تواند شامل صدوسیما هم بشود. حالا که صحبت از ۲۰ سال قبل است، این یادآوری هم بی‌مناسبت نیست که همان‌زمان روزنامه‌کیهان نیز موضع‌گیری کرد درحالی‌که سه‌سال بعد تلویزیون‌های فارسی‌زبان خبری بی‌نیاز به مجوزهای داخلی به راه افتادند و در یادداشتی باعنوان «صادربن‌بست» نوشت: «تلویزیون صبا متعلق به آقای کروبی در انتخاب ماهواره برای پخش برنامه‌های خود با سردرگمی و بلا تکلیفی روبرو شده است. برخی کارشناسان، ماهواره هات‌برد را پیشنهاد کرده‌اند، این ماهواره متعلق به آمریکا است و تقریباً تمام تلویزیون‌های ماهواره‌ای ضد انقلاب در آمریکا برنامه‌های خود را از این طریق پخش می‌کنند... ازسوی دیگر ماهواره اینترنت‌سات که یک ماهواره اروپایی است و برنامه‌های تلویزیونی سحر - متعلق به صدوسیما - نیز از آن پخش می‌شود اغلب اوقات در ایران قابل دریافت نیست. برخی از یاران نزدیک آقای کروبی این بن‌بست را یک فرصت مناسب برای انصراف محترمانه ایشان از راه‌اندازی تلویزیون صبا دانسته و به ایشان پیشنهاد استفاده از این فرصت را داده‌اند.» دو روز بعد روزنامه «رسالت» هم مدعی شد، دکتر مهاجرانی پیشنهاد همکاری داده اما رد شده است. واکنش افخمی هم جالب بود: «فضاسازی‌های اخیر رسانه‌های خاص درباره بودجه ۳۰۰ میلیون تومانی نشانگر آن است که مخاطبان خود را نادان فرض می‌کنند و فکر می‌کنند این مبلغ برای راه‌اندازی یک شبکه در دیدگاه افکار عمومی خیلی زیاد است درحالی‌که خودشان اعتبارات میلیاردی را از بیت‌المال گرفته و به زمین گرم زده‌اند. «وقتی ساطور ساتاری صدوسیما، شبکه نمایش خانگی را هم در امان نگذاشته و به‌دنبال کنترل تمامیت صوت و تصویر، زیر بار تلویزیون خصوصی نخواهند رفت؛ ولی این ضرورت قابل انکار نیست و هر چه زمان سپری شود، هزینه بیشتری تحمیل می‌کند.

## ۲۴ ساعت

24 HOURS

hammihanmedia@gmail.com  
@Hammihanonline

• تلفن روابط عمومی: ۰۸۸۷۴۹۳۰۰ • تحریریه: ۰۸۸۷۳۰۲۹۱ • آگهی‌ها: ۰۸۸۷۳۵۲۰۷ • نشانی: خیابان شهید بهشتی، خیابان پاکستان، کوچه دوازدهم، پلاک ۱۸ • لیتوگرافی و چاپ: هم‌میهن • تلفن چاپخانه: ۰۲۱۴۶۸۲۱۱۱۴ • توزیع: نشر گستر امروز نوین • تلفن: ۰۲۱-۶۱۹۳۳۰۰۰

• صاحب امتیاز و مدیر مسئول: غلامحسین کرباسچی

• مشاوران: عباس عیدی و احمد زیدآبادی

• سردبیر: محمدجواد روح • معاون سردبیر: مهرداد خدیر • دبیر آنلاین: شبنم رحمتی

• دبیران گروه‌ها: فرزانه طهرانی (اقتصاد) • آرمین منتظری (دیپلماسی و بین‌الملل)

• علی ورامینی (رسانه و فرهنگ) • سمیه متقی (سیاست) • الناز محمدی (جامعه) • آرش خاموشی (عکس)

• مدیر اداری و آگهی‌ها: شاهرخ حیدری

• مدیر هنری: مهدی قربانی تبار

• هادی حیدری (طرح و کاریکاتور) • حروفچینی و ویراستاری: شهرام هادی



# موسیقی به کوك سياست

## گزارشی از وضعیت برگزاری کنسرت‌ها در میانه اعتراضات

## و لغو تور اروپایی همایون شجریان



فرزاد نعمتی

خبرنگار گروه فرهنگ

همایون شجریان دیروز دوشنبه ۱۵ دی‌ماه، با انتشار متنی در صفحه اینستاگرام خود از این خبر داد که کنسرت‌هایش در اروپا را لغو کرده است. او قرار بود در تور اروپایی خود، در کنار انوشیروان روحانی و با همراهی گروه «سیاوش» در روزهای پایانی دی‌ماه در شهرهای اسلو، مالمو و گوتنبرگ کشور سوئد روی صحنه برود و بعد در ایتالیا و در روزهای چهارم و یازدهم بهمن‌ماه در شهرهای استکهلم و میلان، میزبان طرفدارانش باشد. برآوردها حکایت از آن داشت که این تور نیز مورد استقبال قرار گیرد و تجربه همکاری قبلی شجریان و روحانی تکرار شود. می‌دانیم که وقتی تازمانی رسمی سالن «پیکاک تاتار» لس‌آنجلس با انتشار یک لیست، بر مخاطب‌ترین کنسرت‌های سال ۲۰۲۴ این سالن در قلب آمریکا را معرفی کرد، همایون شجریان پس از young miko و با فروش بیش از ۱۲ هزار بلیت، رتبه دوم این رتینگ سالانه را از آن خود کرد و بالاتر از Edicion و Especial. Ado قرار گرفت. بدین ترتیب می‌توان گفت تور کنسرت‌های همایون شجریان و انوشیروان روحانی در سال ۲۰۲۴، با بیش از ۴۰ سانس اجرا در سراسر جهان، یکی از پرمخاطب‌ترین کنسرت‌های ایرانی در همه‌جهان است و این ادعای برخی رسانه‌های تخصصی موسیقی که این تور در ادامه می‌تواند «لقب بزرگ‌ترین تور تاریخ یک خواننده ایرانی را از آن خود کند»، چندان نیز بیراه به‌نظر نمی‌آید.

#### ▼ اجرای کنسرت بر ایم مقدور نیست

این تور بعدتر در بهار ۱۴۰۴، در ارپیل، سلیمانیه و دوبی نیز تکرار شد اما اینک همایون شجریان در اینستاگرام خود خبر از لغو این کنسرت با هدف «همدلی و همراهی با هموطنان عزیز» داده است و در پیام‌اش چنین آورده است: «این روزها، تمام جان‌ها ن از آنچه بر مردم این سرزمین می‌گذرد به درد آمده است و اندوگه‌گین رنج مردمان بی‌دفاعی هستیم که با خشونت روبرو شده‌اند؛ مردمی که کشته، زخمی یا دستگیر شدند، تنها به‌خاطر آنکه دردهایشان را فریاد کردند... با این حجم از رنج و اندوه، اجرای کنسرت برای من ممکن نیست.» شجریان در ادامه این پست اینستاگرامی افزوده است: «اجرای کنسرت در این روزگار تلخ و با احوالی که مردم عزیزمان دارند، برای من مقدور نیست. سوگوار و همدل شما هموطنان عزیزم هستم.»

#### ▼ دیگر کنسرت‌های لغوشده

لغو کنسرت‌های موسیقی البته محدود به کنسرت خارج از کشور همایون شجریان نیز نمی‌شود و در روزهای اخیر برخی کنسرت‌ها در شهرهای مختلف کشور لغو شده‌اند. برای نمونه می‌توان به کنسرت‌های مسعود صادقلو در رشت، سامان جلیلی در اهواز، حیدو هدایتی در بندرعباس، عرفان طهماسبی در تهران، بردیا مهرآزاد در تهران و کنسرت لری احسان عبدی‌پور اشاره کرد و آنطور که شواهد و ظواهر نشان می‌دهد و بسیاری از رسانه‌ها نیز در بازتاب این اتفاق بدان اشاره کرده‌اند، تصمیم به لغو برخی کنسرت‌ها «در پی شرایط پیش‌آمده در کشور و ازسوی خود برگزارکنندگان بوده است.» البته هیچ‌کدام از این هنرمندان آنطور که شجریان به صراحت دلایل لغو کنسرت‌اش را بیان کرده، چیزی نگفته‌اند جز اینکه نوشته است: اجراهای ما کنسل شد.

#### ▼ کنسرت‌هایی که برگزار می‌شوند

در کنار کنسرت‌های لغوشده البته باید بدین نکته نیز اشاره کرد که همانطور که خبرآنلاین اشاره کرده است، در روزهای آتی در تهران، ۱۵ کنسرت در هشت سالن روی صحنه می‌رود و خوانندگانی همچون ناصر زینلی، بابک جهانبخش، محسن ابراهیم‌زاده، مجید رضوی، رضایزدانی و سعید مدرس برای دوستداران‌شان خواهند خواند. جز اجراهای این خوانندگان، باید به کنسرت

ارکستر دیالوگ (ناقوس زمان) به رهبری پانید فریوسفی و کنسرت ارکستر سمفونیک تهران (پرنده آتشین) به رهبری نصیر حیدریان در تالار وحدت، کنسرت ارکستر جوانان و نوجوانان ایران با اجرای آثاری از فرهاد فخرالدینی و پرویز مشکاتیان، کنسرت گروه موسیقی تهران با اجرای آثاری از علیرضا مشایخی و کنسرت ارکستر سازهای ایرانی خالقی به رهبری محمدرضا عزیزی در تالار رودکی، کنسرت مهدی فرامرزی با صدای محمدرضا جواهری رویا در برج آزادی و کنسرت گروه «دینگ و دانگ» به سرپرستی مهدی زارح در سالن سوره حوزه هنری اشاره کرد.

#### ▼ مورد خاص علیرضا عصار

این نخستین بار نیست که با شکل‌گیری اعتراضات، لغو اجراهای هنری مورد توجه قرار می‌گیرد. همیشه کسانی در میان معترضان بوده‌اند که معتقدند، در چنین مواقعی هنرمندان باید بی‌بربرگر در فعالیت‌های هنری خود، انعطیل کنند و اگر سخنی در حمایت از معترضان بر زبان نمی‌آورند، لااقل با سکوت خود به آنها احترام بگذارند. در مقابل اما برخی دیگر استدلال می‌کنند که وقتی بسیاری از مشاغل و حرفه‌ها همچنان به‌کار خود ادامه می‌دهند، چرا فقط باید پار تعطیلی اعتراض‌آمیز بر دوش خوانندگان و نوازندگانی باشد که با وجود همه دشواری‌های برگزاری کنسرت و پس از گذر از هفت‌خوان دریافت مجوز، توانسته‌اند دقایقی را امیزبان طرفداران‌شان باشند. معمولاً خوانندگان در چنین مواقعی می‌گوشتند راهی میانه انتخاب کنند و به‌نحوی همراهی خود را با خواسته‌های بحق مردم ابراز دارند اما در عین حال از اتخاذ مواضعی رادیکال اجتناب ورزند. گاه نیز البته هنرمندانی پیدامی‌شوند نظیر علیرضا عصار که با اشاره به فشار اقتصادی که به اشکالی مختلف بر شاه‌نامه ایرانیان سنگینی می‌کند، اعتراضات دی‌ماه ۱۴۰۴ را نتیجه همین فشار دانسته و خطاب به «آقایان» مسئول گفته است: «بدانید و یک لحظه فراموش نکنید که حق، کاملاً با مردم است و اتفاقاتی که می‌افتد مستقیماً نتیجه اشتباهات طولانی مدت خود شماست.»

#### ▼ مورد عجیب همایون شجریان

در وضعیتی حامی در سیاهه خوانندگانی که خوش داشتند، نگره‌های سیاسی را در آثار خود انعکاس دهند، نام همایون شجریان باید در انتهای چنین لیستی ذکر می‌شد، اما اینک مدت‌هاست همایون و سیاست به‌هم‌گره خورده‌اند و هر کنش و واکنش او بازتاب‌های گسترده سیاسی پیدامی‌کند. همین چندماه پیش و مدتی پس از پایان موقت جنگ ۱۲ روزه بود که خبر برگزاری کنسرت رایگان شجریان در میدان آزادی، خبر سازش دو به سنگر بندی جدی اپوزیسیون جمهوری اسلامی و پایداری چی‌های اصولگرا در برابر اصلاح‌طلبان انجامید. اپوزیسیون آن کنسرت را اسم رمز یک عملیات سفیدشویی و فریب افکار عمومی می‌دانستند. پایداری‌ها هم می‌گفتند، دولت دنبال این کنسرت است تا مردم قطعی برق را فراموش کنند. همان زمان برخی نیز نوشتند، وقتی با خانم‌های خواننده در فضای مجازی برخورد می‌شود، همایون بهتر است از آنها حمایت کند، نه اینکه به فکر کنسرت میدان آزادی باشد. آن کنسرت البته لغو شد، اما مخالفان شجریان از چسباندن انگ «خواننده حکومتی» به او باز هم درخ نورزیدند. همین یک‌ماه پیش بود که او مجبور شد در مراسمی به این پرسش‌بازی واکنش نشان بدهد: «اگر من همین الان، در یک جمله بگویم که من خواننده حکومتی هستم، همه می‌گویند عاقبت گفت، اما در مقابل، من به هزار زبان، روش و عمل ثابت کرده‌ام و گفته‌ام که جزئی از مردم و خواننده مردمی‌ام.» حال باید دید واکنش‌ها به تصمیم اخیر شجریان، چگونه خواهد بود؛ باز هم آن را زستی فریب‌کارانه قلمداد خواهند کرد یا نشانه‌ای روشن از همراهی او با مردم. برای مخالفان او البته این تصمیم فرقی در قضاوت‌ها نخواهد داشت. نمونه‌اش توتیتی که شجاعت او را تقلبی دانسته و نوشته: «الکوهات نشکته هنرمند» یا توتیتی دیگر که تحلیل کرده، او از ترس اینکه در کنسرت‌های اروپایی، شعارهای سیاسی مطلوب اپوزیسیون سر داده شود و بعد همین مایه گرفتاری‌اش شود در داخل کشور، «منت سر مردم» گذاشته است.

### چهره

## قصه‌گوی رادیو



۱۸ سال پیش در چنین روزی، حمید عاملی یکی از چهره‌های ماندگار رادیو و ادبیات کودک و نوجوان ایران که نام‌اش با قصه‌گویی و صدایی خاطره‌انگیز در ذهن چندنسل گره خورده است، درگذشت. او متولد سال ۱۳۲۰ بود و فعالیت فرهنگی خود را از نوجوانی‌های رادیویی شروع کرد. سال ۱۳۳۴ با نوشتن داستان‌های کوتاه برای مجله‌هایی چون کیهان بچه‌ها، اطلاعات هفتگی و روشنفکر، وارد دنیای ادبیات شد. چندسال بعد در سال ۱۳۳۷ فعالیت در حرفه گویندگی رادیو را با برنامه «کار و کارگر» شروع کرد و در دهه‌های بعد، به یکی از صداهای شاخص رادیو تبدیل شد. گویندگی برنامه‌هایی چون «راه شب»، «قصه ظاهر جمعه» و «یک شب از هزار و یک شب» از جمله کارهای شاخص اوست. عاملی که در نمایش‌های رادیویی پرطرفداری مانند «ارادتمند، جانی دالر» هم ایفای نقش کرده بود، بیش از ۱۰۰ کتاب داستان هم نوشته و دغدغه شعر و ادبیات نیز داشته است. او با وجود سال‌ها فعالیت، در سال‌های پایانی عمر، با بی‌مهری از رادیو کنار گذاشته شد و ۱۶ دی‌ماه ۱۳۸۶ در ۶۶ سالگی درگذشت.

### کتابخانه

## بازتعریف نقد صنعت فرهنگ

کتاب «صنعت فرهنگ» رویکرد جدیدی برای نقد تولیدات صنعت فرهنگ در جهان معاصر ارائه می‌دهد تا مقدمات داوری منصفانه، آگاهانه و روشنگر انبوه محصولات فرهنگی را فراهم کند. این کتاب مبتنی بر دیدگاه‌های نظری آدورنو و هورکهایمر، تصویری روشن از نظریه صنعت فرهنگ ارائه می‌دهد، اما در همان جامتوقفنمی‌ماند. هاینتس اشتاینر ت‌با فراترفتن از شرح صرف ایده‌ها، نشان می‌دهد که چگونه می‌توان تحلیل انتقادی را در مواجهه با مسائل فرهنگی امروز به‌کار گرفت. کتاب، خواننده را به درگیری فکری فعال با محصولات صنعت فرهنگ دعوت می‌کند و او را از دوگانه‌سازی ساده‌انگارانه میان «فرهنگ والا» و «فرهنگ پست» بر حذر می‌دارد. در این رویکرد، نظریه انتقادی نه دشمن لذت، بلکه راهنمای فهم عمیق‌تر و آگاهانه‌تر است. کتاب نشان می‌دهد که رهایی از ابتذال و بی‌ارزش شدن شدن فرهنگ، مستلزم هوشمندی تحلیلی، شکلبایی و حساسیتی غیراقتدارگرایانه و حتی انتقادی ـ برانداژانه است؛ حساسیتی که بتواند هم لذت را بفهمد و هم آن را به پرسش بکشد. خواندن «صنعت فرهنگ» برای دانشجویان، پژوهشگران و علاقه‌مندان مطالعات فرهنگی، جامعه‌شناسی فرهنگ، فلسفه انتقادی و رسانه مناسب است.

#### صنعت فرهنگ

**نویسنده:**

**هاینتس اشتاینر**

**مترجم: جلیل کریمی**

**انتشارات: نی**

### تاریخ

## تاسیسی موسسه رازی

موسسه تحقیقات واکسن و سرم‌سازی رازی، یک بنیاد پژوهشی است که در ۱۶ دی‌ماه ۱۳۰۳ توسط مطلق قلی‌بیات، بنیان نهاده شد و یکی از بزرگ‌ترین و معتبرترین موسسات فعال در زمینه پژوهش و تولید سرم و واکسن در ایران و خاورمیانه است. این موسسه بیشتر در زمینه دامپزشکی فعال است و سالانه بیش از سه میلیاردونیم دوز، انواع فرآورده‌های زیستی تولید می‌کند. این موسسه که در استان البرز قرار دارد، زیرمجموعه سازمان تات (سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی) است. عمده‌ترین محصول رازی، همچنان واکسن و پادتن‌های حیوانی است که توانست آنها را به کشورهای دیگر صادر کند؛ اما واکسن‌های انسانی موسسه رازی، هیچ‌گاه وارد بازار جهانی نشدند.

### انالله و انا الیه راجعون

### سرکار خانم آیرملو

**سرپرست محترم روزنامه هم‌میهن در استان آذربایجان غربی**
**درگذشت مادر گرامی‌تان را تسلیت می‌گوییم.**
**از خداوند منان برای آن مرحومه علو درجات و برای شما و بازماندگان محترم شکیبایی آرزو مندیم.**

**روزنامه هم‌میهن**